



### کسب وکارهای متفاوت

محبوبه مصیرقانی

## مجلس ختم، موسیقی پول‌سازی و دیگر هیچ

بعضی اوقات در جایی هستیم که خودمان هم خبر نداریم، یا چیزی در وجودمان هست که می‌توانیم شکوفایش کنیم اما خبر نداریم. مهم آن است که بی‌اش را بگیریم و به حرف دیگران اعتماد کنیم. چرا که این دیگران هستند که می‌توانند چشممان را باز کنند یا حتی ببندند. برای نخستین بار با سبک جدید در مجلس ختم عموش می‌خواند. جایی که همه را اندوه از دست دادن عزیز تکان داده و دلها بهم نزدیک شده است. برای آنکه مرهمی یا تسکینی باشد از دل نوابی سسری می‌دهد و گوش‌ها را با غم صدایش می‌نوازد. جایی که همه گوش‌ها منتظر شنیدن نوحه و مداحی است نه یک نوای حزن انگیز همراه با موسیقی. پس از خواندنش اما اطرافیان منوجه در خور بودن نوا با محفل می‌شوند و از دور و نزدیک به سراغش می‌آیند. حتی زنده‌ها هم می‌خواهند تا در مجلس ختم‌شان بخواند. علی‌روشن به جای آنکه در عروسی‌ها بخواند در ختم‌ها هم آواز غم‌عزیزان از دست رفته می‌شود و گرّه از بغض‌ها می‌کشد. علی‌درباره این ایده که چرا مراسم ختم را انتخاب کرده توضیح می‌دهد: این موضوع مربوط به ۱۰ سال گذشته می‌شود. من در خانواده فرهنگی بزرگ شده‌ام و پدر و عموهام در کار موسیقی سنتی هستند. زمانی که عمویم فوت کرد من برای دلگرمی خانواده و اطرافیان تصنیفی خواندم از مولانا. می‌توان گفت همه چیز خیلی غیرمنتظره آغاز شد. پس از مراسم همه اشک ریزان دست بر شانه‌ام می‌گذاشتند و آفرین می‌گفتند. توجهی به این موضوع نداشتم که می‌شود جای مداحی از هنر استفاده کرد و با موسیقی همراه شد. پس از آن مراسم چند نفر از اقوام دور با من تماس گرفتند که در مجلس ختم عزیزانشان شرکت کنم. اول برلیم اصلا جدی نبود اما کم‌کم به این فکر افتادم که در مراسم‌های ترحیم شرکت کنم. گروه روشن در حال حاضر از چند نفر تشکیل شده که کارشان همراه کردن موسیقی با نوای دل‌اندوهگینان است. بعد از آن به چند نفر از دوستان پیشنهاد دادم با من همراه شوند و دف و نی‌شان را برارند و با من بیایند. اول خیلی مقاومت برسر پیشقدم داشتند. آنها معتقد بودند نوشتن استیک هنرمند در مجلس ختم بخواند. برای آنها شرح دادم که ما بر سر مزار نمی‌رویم و فقط در مراسم‌ها که در سالن‌های پذیرایی برگزار می‌شود شرکت می‌کنیم. این مراسم‌ها مانند کنسرت است. کم‌کم راضی شدند و با من همراه شدند. کارمان خیلی استقبال می‌شد مخصوصاً در میان قشر فرهنگی و مرفه جامعه که تمایلی به برگزاری مراسم‌های معمول نداشتند. گروه ما از سه نفر تا شش نفر تشکیل می‌شود بسته به درخواست مشتری که دوست دارد چه سازهایی در مراسم‌شان استفاده شود.

«روشن» لیسانس حقوق دارد و شرکت در مراسم‌های ختم شغل اصلی‌اش نیست اما معتقد است تمام وقتش را گرفته و نسبت به شغل اصلی‌اش رضایت بیشتری برایش به ارمغان آورده. او توضیح می‌دهد: این کار شغل اصلی من نیست اما واقعیت این است که لذت و هم‌رضایتش نسبت به کارم برلیم بیشتر است. این شغل برعکس تصور عوام تعطیلی ندارد و مزیتش نسبت به مراسم‌های شاد این است که در همه ماه‌ها و فصل‌ها برقرار است. چه رمضان چه محرم. این را هم اضافه کنم ما برای پیدا کردن مشتری آنچنان تبلیغات نداریم چرا که در هر مجلسی که شرکت می‌کنیم چندین و چند مشتری دیگر به ما رجوع می‌کند. من مشتری دارم که در تمام مراسم‌هایشان حضور داشتم و به نحوی با تمام اقوام این مشتری آشنا هستم.

از علی‌روشن درباره برخورد آدم‌ها با این حرفه متفاوت می‌پرسم، می‌گوید: از زمانی که این موضوع کمی بیشتر از قبل باب شد نگاه برخی از افراد جامعه به آن جالب است. اغلب وقتی می‌بینند که ما با دف و نی و تار در مراسم‌ها شرکت می‌کنیم برایشان عجیب است چرا که همه انتظار دارند در ختم‌ها نوایی خشک و بدون موسیقی به کار رود که باید به این افراد گفت این کار یک هنر است، یک فرهنگساز است. قطعی‌یک مرثیه‌انگین بغض‌را بهتر می‌ترکند.



### کودک

کار آفرین

مرثیه‌نوا  
مقدم کار آفرینی  
پیش‌دستان

## کلاس‌های من در آوردی گران کودک شما را خلاق نمی‌کند

در کشوری نظیر ژاپن وقتی وسیله‌ای را گم کنید نباید نگران پیدا کردنش باشید! ما پرسیدیم چرا؟ چون آنها از همان کودکی با برنامه‌ها و شیوه‌های مناسب در رابطه با احساس تعهد و مسئولیت نسبت به اموال دیگران آموزش می‌بینند. دو واژه کلیدی در این جمله به چشم می‌خورد: آموزش و کودکی. برآستی ما تا چه اندازه برنامه‌های آموزشی کشور را جهت حضور بچه‌ها به‌عنوان یک شهروند طراحی و تدوین کرده‌ایم؟ در تمام دوران تجربه‌مان دانش‌آموزانی را می‌بینم که نسبت به اموال مدرسه و دوستانشان بی‌اهمیتند.

ما چه قدر در برنامه‌های درسی تئوری محور هستیم و چرا در برنامه‌های آموزشی‌مان راه و روش زندگی را به بچه‌ها یاد نمی‌دهیم؟ راستی جایگاه خانواده کجاست؟ البته که خانواده خود قربانی همین نوع آموزش است و آن را نسل به نسل منتقل می‌کند. آیا وقت آن فرا نرسیده که با آگاهی از واژه‌های اینترنتی و تجاری کاری که گویی مأموریتشان اتلاف وقت و هزینه است فاصله بگیریم؟ چرا هر دور برویم امان از خلاقیتی که این روزها باب شده پدر و مادرها به دنبال خلاقیت فرزندانشان هستند!!! اما سربلای بچه‌ها در گرفتاری‌های روزمره می‌شوند، آنها را نشان کنشان به کلاس‌های عجیب و متن در آوردی خلاقیت می‌برد اما در لمس تجربه‌های زندگی نمی‌خواهند آب در دلشان تکان بخورد و چیزی واقعی و نه آکواریمی و تحریف شده را لمس کنند.

والدین عزیز! خود را تغییر دهید. در افکارتان تحول و آگاهی ایجاد کنید. قرار نیست نداشتن‌های دوران خود را کورکورانه به سان کلبه شکلاتی توی جنگل قصه‌ها به خورد بچه‌هایتان بدهید. پدر و مادر عزیز! خلاقیت زمانی در دل‌بند شما پرورش می‌یابد که نحوه مقابله با چالش‌ها را بیاموزد و سؤال اینجاست شما پدر و مادر امروز تا چه اندازه این فرصت را به او داده‌اید؟ اصلاً به او به‌عنوان یک فرد مستقل که فقط از طریق شما یا به جهان هستی گذاشته و تجربیات درونی خودش را خواهد داشت باور دارید؟ یا می‌خواهید همچنان چشم‌ها و گوش و دست و پای او باشید و بی‌تجربدی او را آسیب کلاس‌های تجاری کنید یا در صحنه زندگی فرصت کسب این توانایی را برایش مهیا سازید؟؟؟؟

و مأموریت‌هایی که در برنامه‌های کلان برایشان تبیین شده، بازگردند ضمن تأثیر در حرکت موتورهای توسعه به کار آفرینی از طریق جذب هیأت علمی و جلوگیری از مهاجرت‌نخبگان می‌پردازند.

■ **تعامل با جهان برای انتقال تکنولوژی**  
از جمله اقدامات به جهت تسریع در ارتباط صنعت و دانشگاه تعاملات با دانشگاه‌های معتبر خارجی است. سیاست‌های بالادستی در تعاملات انتقال تکنولوژی خیلی مؤثر است چه بسا بعد از برجام اتفاقات خوبی در ارتباط با دانشگاه‌های معتبر روسی، چینی و گره‌ای و مالیزیایی شکل گرفته، کشورهای مذکور در زمینه تکنولوژی‌های تک‌از ایران جلوتر هستند و تعاملات علمی در قالب تفاهمنامه و دوره‌های مشترک آموزشی و پژوهشی به انتقال علم و فناوری کمک می‌کند. این تعاملات زمانی قوت می‌گیرد که تعاملات سیاسی استمرار داشته باشد. من احساس می‌کنم در زمینه تبدیل فرصت‌های علمی به کاربردی

تحت هر عنوانی مثل دانش‌بنیان، کار آفرینی، استارت‌آپ یا هر چیز دیگر خیلی عقب نیستیم. در حوزه‌هایی که دارای مزیت نسبی هستیم مثل نانوبیو و موقیعت‌های خوبی کسب کرده‌ایم. تولید نانوداروها و محصولات مهندسی پزشکی مواردی هستند که نشان دهنده زنجیره علم و صنعت و ارتباط خوب دانشگاه با صنعت است. البته وقتی صحبت از ارتباط صنعت و دانشگاه می‌شود باید توجه داشته باشیم که خیلی از صنایع ما پیشرو دنیامیک نیستند و تکنولوژی‌شان به ۵۰ سال قبل برمی‌گردد، پس این صنایع چیزی برای تعامل با دانشگاه ندارند که بخوانند از علم به تولید و عمل برسند اما در صنایعی که با تکنولوژی روز کار می‌کنند ارتباط خوبی میان صنعت و دانشگاه داریم چه بسا ما در حوزه‌هایی که گفتیم ارتباط واقعی صنعت و دانشگاه را لمس می‌کنیم.

■ **آشنی و قهر صنایع و دانشگاه در گرو چیست؟**  
ما باید صنایع خود را تصحیح کنیم و صنعت نیازها را برای دانشگاه تعریف و خوراک دانشگاه را برای آموزش ما کند، در این صورت دانشگاه‌ها نتایج را به صنعت بازمی‌گردانند و از طریق سرمایه‌گذارها این زنجیره کامل می‌شود. موضوعی که در خیلی از صنایع اتفاق نیفتاده یعنی با فضا رقابتی یا پیشرفته نیست یا مونتاژکاری دارند و همیشه این صنایع هستند که از نبود ارتباط با دانشگاه گلابه دارند در حالی که محور مشترک گفت‌وگویمان این صنایع و دانشگاه وجود ندارد حال آنکه هر وقت این گفت‌وگو بخوبی میان صنعت و دانشگاه برقرار شده محصولی دانش‌بنیان را دربرداشته است.

■ **مأموریت گرا بودن دانشگاه‌ها یک معامله رفت و برگشتی است به طوری که هم نیاز کشور بدرستی سنجیده می‌شود و دانشجویان آرموده و از سوی دیگر نیاز صنعت بر طرف می‌شود**  
■ **پارک‌های علم و فناوری که به منظور تحقیقات کاربردی و عملی در کنار دانشگاه‌های بزرگ تأسیس شده اقدامی است که می‌توان به آینده کار آفرینی دانشگاهی امیدوارتر شد اما عملکرد جزیره‌ای خیلی موقیعتی حاصل نکرده**  
■ **تازمانی که صنایع ما در فضای رقابتی نتوانند کار کنند هیچ گاه گفت‌وگوی میان صنعت و دانشگاه یا همان تولید ثروت از علم شکل نخواهد گرفت به طور مثال در صنعت خودروسازی تا زمانی که نتوانیم رقابت با خودروسازان دیگر قرار بگیریم هیچ تولید ثروت امکان‌پذیر نخواهد شد.**

■ **مأموریت گرا بودن دانشگاه‌ها یک معامله رفت و برگشتی است به طوری که هم نیاز کشور بدرستی سنجیده می‌شود و دانشجویان آرموده و از سوی دیگر نیاز صنعت بر طرف می‌شود**  
■ **پارک‌های علم و فناوری که به منظور تحقیقات کاربردی و عملی در کنار دانشگاه‌های بزرگ تأسیس شده اقدامی است که می‌توان به آینده کار آفرینی دانشگاهی امیدوارتر شد اما عملکرد جزیره‌ای خیلی موقیعتی حاصل نکرده**  
■ **تازمانی که صنایع ما در فضای رقابتی نتوانند کار کنند هیچ گاه گفت‌وگوی میان صنعت و دانشگاه یا همان تولید ثروت از علم شکل نخواهد گرفت به طور مثال در صنعت خودروسازی تا زمانی که نتوانیم رقابت با خودروسازان دیگر قرار بگیریم هیچ تولید ثروت امکان‌پذیر نخواهد شد.**

■ **مأموریت گرا بودن دانشگاه‌ها یک معامله رفت و برگشتی است به طوری که هم نیاز کشور بدرستی سنجیده می‌شود و دانشجویان آرموده و از سوی دیگر نیاز صنعت بر طرف می‌شود**  
■ **پارک‌های علم و فناوری که به منظور تحقیقات کاربردی و عملی در کنار دانشگاه‌های بزرگ تأسیس شده اقدامی است که می‌توان به آینده کار آفرینی دانشگاهی امیدوارتر شد اما عملکرد جزیره‌ای خیلی موقیعتی حاصل نکرده پس با توجه به اینکه ما زیرساخت علمی خوبی در مرز دانش در حوزه‌های مختلف داریم می‌توانیم با درایت و پیشرفت صنعت کنیم. چنانچه من فکر می‌کنم دانشگاه‌ها و محققان خوبی دارند که این را از جاب‌مقالات در ژورنال‌های معتبر جهانی می‌توان فهمید پس باید از حالت خودمحوری خارج و آموزش عالی و صنعت در برنامه کلان و متحده هم‌پوشانی برسند.**

■ **مأموریت گرا بودن دانشگاه‌ها یک معامله رفت و برگشتی است به طوری که هم نیاز کشور بدرستی سنجیده می‌شود و دانشجویان آرموده و از سوی دیگر نیاز صنعت بر طرف می‌شود**  
■ **پارک‌های علم و فناوری که به منظور تحقیقات کاربردی و عملی در کنار دانشگاه‌های بزرگ تأسیس شده اقدامی است که می‌توان به آینده کار آفرینی دانشگاهی امیدوارتر شد اما عملکرد جزیره‌ای خیلی موقیعتی حاصل نکرده پس با توجه به اینکه ما زیرساخت علمی خوبی در مرز دانش در حوزه‌های مختلف داریم می‌توانیم با درایت و پیشرفت صنعت کنیم. چنانچه من فکر می‌کنم دانشگاه‌ها و محققان خوبی دارند که این را از جاب‌مقالات در ژورنال‌های معتبر جهانی می‌توان فهمید پس باید از حالت خودمحوری خارج و آموزش عالی و صنعت در برنامه کلان و متحده هم‌پوشانی برسند.**



عکس: امیر رحیمی/ایران

# چرا دانشگاه‌های ماثروت آفرین نیستند؟

## گپ و گفتی با علی غفاری رئیس دانشگاه پردیس بین‌المللی صنعتی شریف

حمیرا علیی

آنها که مثل آب روان ثروت آفرینی می‌کنند قرن‌هاست تصور تعارض و دوگانگی میان علم و ثروت را کنار گذاشته‌اند. این یک رئسانس فکری است که تبعات و محصولات خود را هم می‌آفریند و امروز یعنی تراز هر زمانی جلوی چشم ماست. اما برای ما چه؟ آیا ما از این دو دیدن‌هایی که بواقع یک مفهوم و پدیده هستند با صورت‌های گوناگون گذشته‌ایم؟ آنها که از این کهنه‌گرای تعارض علم و ثروت گذشته‌اند مراکز علم و فناوری را در کنار دانشگاه‌ها پدید آورده‌اند و صنایع و سرمایه‌گذاران را به خود جذب می‌کنند. ما تازه با هزار اما و اگر می‌خواهیم این راه را شروع کنیم، از آن سود دانشگاه‌های پیشرو در امر تولید علم و به تبع آن ارائه خدمت اجتماعی مهم – ثروت، امنیت و آگاهی – در تعامل نزدیک با صنایع گام برمی‌دارند و در یک چرخه پایا و نه ایستا به تولید و کار آفرینی می‌پردازند. چنانچه تولید ثروت با مفاهیم مختلف از مسیر علم در تمام برنامه‌های استراتژیک یک کشور دیده می‌شود و همه اجزای سیستم بر مبنای تعاریف و مأموریت‌هایشان به فعالیت می‌پردازند. در گفت‌وگو با دکتر علی غفاری رئیس دانشگاه پردیس بین‌المللی صنعتی شریف این سبک تولید ثروت از علم با منظر کار آفرینی با همان ارتباط صنعت و دانشگاه را بررسی کردیم. مدیریت جزیره‌ای و بی‌هدف، نبود مأموریت مشخص برای هر دانشگاه در کنار صنایعی که در فضای رقابتی نیستند از جمله مهم‌ترین مباحثی است که این استاد دانشگاه به تبیین و تشریح آن‌ها می‌پردازد.

### دانشگاه‌های نسل چهارم سیاست‌گذارند

دانشگاه‌های موفق دنیا به سمت دانشگاه‌های نسل سوم – کار آفرین – رفت‌اند و از این طریق ارتباط و زنجیره بین علم و ثروت را برقرار کرده‌اند و به فکر حرکت به سوی نسل چهارم دانشگاهی هستند. نسل چهارم دانشگاه‌ها علاوه بر داشتن مأموریت‌های گذشته که آموزش، پژوهش و کار آفرینی بود موظف هستند آینده جامعه را تعیین کنند و برایش راهکار داشته باشند. در حقیقت این دانشگاه‌ها به سمتی در حرکت هستند که در سیاست‌گذاری‌ها و تعاملات حوزه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... وارد می‌شوند. در کشور ما نیز حوزه سیاست‌های برنامه توسعه ششم و همچنین نقشه جامع علمی کشور که در حوزه عملیاتی کردن اقتصاد مقاومتی است تأکید دارد دانشگاه‌ها سیاست‌هایشان را در این راستا وضع و اعمال کنند.

در گذشته علم از ثروت جدا دیده می‌شد چنانچه مثل معروف «علم بهتر است یا ثروت» بخوبی گویای این نوع تفکر است اما امروز می‌دانیم دانشگاه‌ها باید تکمیل‌کننده زنجیره علم و ثروت باشند.

برای تحقق این هدف مراکز کار آفرینی و نوآوری در کنار دانشگاه‌ها شکل گرفته مثلاً در دانشگاه شریف، مرکز نوآوری و کار آفرینی موفق طی سال‌های گذشته تاکنون فعالیت می‌کند و فعالیت‌های گسترده‌ای دارد و شرکت‌هایی که از این طریق به مراکز با نام «دانش‌بنیان» بیرون می‌آیند نمونه‌های موقی در صنعت فناوری رایو، نانو و هوا و فضا و... به جامعه ایرانی ارائه داده‌اند. دانشگاه‌ها کم و بیش رشد بسیار داشته‌اند اما این‌ها به پازل کامل نشده‌اند و به نظر می‌رسد در نقشه جامع علمی کشور دانشگاه‌ها به‌طور مثال نقش ویژه‌ای را

بپذیرند. مثلاً دانشگاه‌هایی که نزدیک دریا هستند رشته‌هایی را ارائه بدهند که متناسب با اقلیم دریاست تا با بومی‌سازی فناوری‌های این زنجیره را کامل کنند چه بسا بحث کار آفرینی در این زنجیره کامل می‌شود، صنایع مربوط به مناطق مختلف نیاز به متخصصانی دارد که از سوی دانشگاه تربیت می‌شوند و به چرخه تولید گسیل می‌کنند در نتیجه اگر دانشگاه‌ها مأموریت‌گرا شوند و از ارائه رشته‌ها و برنامه‌های تکراری بریزد شود کار آفرینی و سیاست‌گذاری

### مأموریت گرا بودن دانشگاه‌ها یک معامله رفت و برگشتی است به طوری که هم نیاز کشور بدرستی سنجیده می‌شود و دانشجویان آرموده و از سوی دیگر نیاز صنعت بر طرف می‌شود

مأموریت‌گرا بودن دانشگاه‌ها یک معامله رفت و برگشتی است به طوری که هم نیاز کشور بدرستی سنجیده می‌شود و دانشجویان آرموده و از سوی دیگر نیاز صنعت بر طرف می‌شود

### نیم‌نگاه

مأموریت گرا بودن دانشگاه‌ها یک معامله رفت و برگشتی است به طوری که هم نیاز کشور بدرستی سنجیده می‌شود و دانشجویان آرموده و از سوی دیگر نیاز صنعت بر طرف می‌شود

مأموریت گرا بودن دانشگاه‌ها یک معامله رفت و برگشتی است به طوری که هم نیاز کشور بدرستی سنجیده می‌شود و دانشجویان آرموده و از سوی دیگر نیاز صنعت بر طرف می‌شود

مأموریت گرا بودن دانشگاه‌ها یک معامله رفت و برگشتی است به طوری که هم نیاز کشور بدرستی سنجیده می‌شود و دانشجویان آرموده و از سوی دیگر نیاز صنعت بر طرف می‌شود

مأموریت گرا بودن دانشگاه‌ها یک معامله رفت و برگشتی است به طوری که هم نیاز کشور بدرستی سنجیده می‌شود و دانشجویان آرموده و از سوی دیگر نیاز صنعت بر طرف می‌شود



### حوزه دانشگاهی هماهنگ می‌شود.

یکی از انواع کار آفرینی‌های آموزشی تأسیس واحدهای دانشگاهی است اما همین کار آفرینی تحت‌نیازسنجی درست به هدف کار آفرینی می‌رسد و گر نه به انباشت بی‌بهره علم و تربیت دانشجویان متوقع از دولت برای اشتغال‌زایی منجر می‌شود. به طور مثال فلسفه وجودی پردیس‌ها آن چیزی نیست که امروز بر آن تمرکز و صحبت می‌شود. در برنامه توسعه چهارم به دانشگاه‌های تراز اول اجازه داده می‌شود به دلیل گستره فعالیت دانشگاه‌ها جذب دانشجویان خارجی و تعاملات بین‌المللی انتقال فناوری که در تباد با دانشگاه‌های دنیا در مناطق آزاد یا خارج از کشور دانشگاهی بین‌المللی تأسیس کنند لذا لزوم تأسیس پردیس‌ها این‌طور بیان شده پس به جهت جلوگیری از خروج ارز و جذب دانشجویان داخلی و خارجی آزاد از طریق رفت و آمد دانشجویان، این دانشگاه در کنار دانشگاه‌هایی چون شریف، تهران، بهشتی و... تأسیس شد. حال تصور کنید اگر نیاز مناطق آزاد در دانشگاه‌های بین‌المللی نباشد چه اتفاقی می‌افتد جز هزینه‌هایی که از سمت دولت و دانشجو بی‌بهره صرف شده است. در حالی که اگر دانشگاه‌ها چه پردیس باشند چه از جد علمی – کاربردی و پیام نور به اصل تعاریف خود

حوزه دانشگاهی هماهنگ می‌شود. یکی از انواع کار آفرینی‌های آموزشی تأسیس واحدهای دانشگاهی است اما همین کار آفرینی تحت‌نیازسنجی درست به هدف کار آفرینی می‌رسد و گر نه به انباشت بی‌بهره علم و تربیت دانشجویان متوقع از دولت برای اشتغال‌زایی منجر می‌شود. به طور مثال فلسفه وجودی پردیس‌ها آن چیزی نیست که امروز بر آن تمرکز و صحبت می‌شود. در برنامه توسعه چهارم به دانشگاه‌های تراز اول اجازه داده می‌شود به دلیل گستره فعالیت دانشگاه‌ها جذب دانشجویان خارجی و تعاملات بین‌المللی انتقال فناوری که در تباد با دانشگاه‌های دنیا در مناطق آزاد یا خارج از کشور دانشگاهی بین‌المللی تأسیس کنند لذا لزوم تأسیس پردیس‌ها این‌طور بیان شده پس به جهت جلوگیری از خروج ارز و جذب دانشجویان داخلی و خارجی آزاد از طریق رفت و آمد دانشجویان، این دانشگاه در کنار دانشگاه‌هایی چون شریف، تهران، بهشتی و... تأسیس شد. حال تصور کنید اگر نیاز مناطق آزاد در دانشگاه‌های بین‌المللی نباشد چه اتفاقی می‌افتد جز هزینه‌هایی که از سمت دولت و دانشجو بی‌بهره صرف شده است. در حالی که اگر دانشگاه‌ها چه پردیس باشند چه از جد علمی – کاربردی و پیام نور به اصل تعاریف خود